

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه عادیات، ۱۷ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱)

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳)

فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا (۴)

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

یک قبیله ای بودند شاید بشود گفت شبیه داعش بودند، مزاحمت‌های زیادی برای مسلمانان ایجاد می‌کردند. تصمیم گرفته شد مسلمانان با آنها بجنگند ولی راحت نبود چون یک جا مستقر نبودند و راحت پیدا نمی‌شدند یا اگر پیدا می‌شدند آمادگی داشتند، یک جاهایی اتراق می‌کردند که حمله بهشان سخت باشد، کسانی را پیامبر(ص) برای جنگ با آنها فرستادند ولی به دلایل مختلف آنها در جنگ شکست خوردند و برگشتند. پیامبر(ص)، امام علی (ع) را فرستاد و ایشان به همراه دوستان و آشنایانشان که با هم در هماهنگی کامل بودند، با اسب‌هایی به جنگ رفتند. مسیری که معمول بود و باید طی می‌شد، جوری بود که دشمن مطلع می‌شد در آن صورت می‌توانست با آنها مقابله کند. امام علی (ع) تصمیم گرفتند از مسیر دیگری که صعب العبور بود بگذرند. مسیر سنگلاخ بود و برای اسب‌ها خطرناک بود، ممکن بود پایشان بشکند و به زمین بخورند. ولی امیرالمومنین (ع) شبانه از این مسیر سنگلاخ به تاخت به طرف دشمن حمله کردند، اسب‌ها به نفس نفس افتاده بودند. از برخورد سم اسب‌ها به سنگها جرقه ایجاد می‌شد. آنها توانستند قبل از طلوع آفتاب بالاسر دشمن حاضر شوند. صبحگاهان به دشمن شبیخون زدند و قبل از اینکه بفهمند چه اتفاقی افتاده، معرکه‌ای به پا شد و پیروزی به دست آمد. موقع نماز صبح سوره عادیات به پیامبر(ص) نازل شد و در نماز این سوره را خواندند و گفتند به من وحی شده که علی (ع) پیروز شده و با غنائم برخواید گشت. چند روز بعد امام علی(ع) با دوستانشان با غنیمت و اسیر به مدینه برگشتند.

سوره عادیات با سوگندهایی شروع می‌شود. سوگند به نفس نفس زدن اسب‌هایی که سرعت زیادی دارند. سوگند به جرقه‌ای که از برخورد پای اسب‌ها به سنگ‌ها ایجاد می‌شود. سوگند به کسانی که صبح شبیخون می‌زنند، سوگند به گردوخاکی که بلند می‌شود و به وسط معرکه قرار گرفتنشان سوگند می‌خورد. بعد از این سوگند خداوند می‌فرماید نوع انسان نسبت به پروردگارش کنود است یعنی یک نوع ناسپاسی همراه با کندی دارد خدا توقع یک حرکت سریع و هماهنگ از انسان دارد، و این سرعت را در مبارزه با دشمن خدا و یاری دین خدا داشته باشند ولی انسان‌ها کند هستند، با این کندی شان ناسپاسی می‌کنند.

انسان‌ها خودشان هم شاهد این هستند و می‌دانند که اینطوری هست.

انسان‌ها دوست دارند که به خیر برسند. چیزهای مختلفی در مورد خیر گفته شده ولی مطلق خیر یعنی انتخاب یک چیز که با یک مقایسه درست انجام شده است.

سوره انگار راه حل و درمانی مطرح می‌کند: أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹) وَ حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

انسان علم ندارد به آن موقع که آنچه در قبرها هست مبعوث می‌شود و آنچه که در صدرها، نیت‌ها، عزم و اراده‌ها، از قلب‌ها حاصل می‌شوند، به نتیجه می‌رسد و خروجی می‌دهد.

و در آیه آخر می‌فرماید: إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

آن روز که آنچه در قبرها هست مبعوث می‌شود و آنچه در قلب‌ها هست نتیجه می‌دهد، پروردگار خبیر است. یعنی جز جز از عملکرد و نیت و جز جز زندگی آنها آگاه است. یعنی این آگاهی آن روز کاملاً آشکار می‌شود.

یعنی درمان‌هایی از این کندی، توجه به آگاهی جزئی خداوند به همه شئون زندگی شان و عاقبتی که در آن برانگیخته می‌شوند و اینکه هر کس هر قصدی داشته برای همه آشکار می‌شود، هست. با این توجه انگیزه کافی برای درآمدن از کندی که خودشان هم از آن آگاه هستند، پیدا می‌کنند و می‌توانند جمع تشکیل بدهند و هماهنگ شوند و با سرعت به مقاصد و اهدافی که دارند برسند.

سوره عادیات می‌خواهد ما را از کندی خارج کند و به ما برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های الهی سرعت دهد.

ارائه سوره برای بچه‌های دبستان

برای بچه‌های دبستانی از سوره مبارکه عادیات باید تشکیل جمع و هماهنگی در آن و سرعت عمل در اقدامات جمعی را یاد دهیم.

باید یاد بگیرند هماهنگی یعنی چه؟

چه انواعی از هماهنگی داریم؟

یک جمع باید مقصد مشخص داشته باشد. مقصد مشخص یعنی چه؟ در واقع در اثر هماهنگی به نتایجی برسیم.

یاد بگیریم چه چیزهایی مانع هماهنگی و تشکیل جمع و کند کننده جمع هست و از آن‌ها دوری کنند.

با اتفاقاتی که در عالم وجود داشته که در اثر یک هماهنگی شکل گرفته و نتیجه‌ای حاصل شده آشنا شوند و

بدانند چه چیزهایی در تاریخ و طبیعت در اثر سرعت و هماهنگی به نتیجه رسیده و چه چیزهایی در اثر عدم

هماهنگی و سرعت با مشکل مواجه شده و به نتیجه نرسیده است.

می‌توان بچه‌ها را با هم هماهنگ کرد و به آنها جمع‌سازی یاد داد و سرعت آنها را در کارهای جمعی بالا برد.

تدبر در سوره

با سوگند شروع می‌شود. این سوگندها با واو قسم هستند. ۵ تا قسم هست که بجز قسم اول بقیه با ف می‌آیند

یعنی اینها زنجیروار با هم در ارتباطند. ف یعنی پس، در نتیجه. با این ساختار، ۴ سوره دیگر داریم که شبیه به

سوره عادیات شروع می‌شوند: صافات، مرسلات، ذاریات و نازعات. این ۴ سوره، قسم‌های اولیه‌اش درباره ملائکه

است. راجع به نظام ملائکه صحبت می‌کند. یعنی ساختار نظام ربوبی که به واسطه ملائکه جریان عالم مدیریت

می‌شود. جالب است که ساختار این سوره که در مورد رزمندگان اسلام صحبت می‌شود با ساختار آن سوره‌ها درباره

ملائکه یکسان است، انگار این جور عملکردهای سریع و هماهنگ باعث تدبیر امور عالم می‌شود و تاثیر دارد در

امور عالم.

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا

عادیات جمع عادیه از ریشه عَدَوَ. عدو هم از همین ریشه هست. یعنی از حد گذرانده.

به اسب‌هایی می‌گویند که به سرعت حرکت می‌کنند. موقع جنگ یا حمله به تاخت جلو می‌روند عادیات می‌گویند.

ضبحا از ریشه ضبح به معنی تنگی یا سختی در فعالیت.

سوگند به اسب‌های تندرویی که دچار تنگی شده‌اند، نفس‌هایشان به شماره افتاده است. آنقدر سرعت داشتند که

به مضیقه افتادند. تصویری از یک تاخت سریع و با حداکثر توان

جمع به کار رفته، اسب‌ها هستند که اینگونه حرکت می‌کنند.

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا

پس، یعنی این قسم مربوط به قسم قبلی است

موریات، جمع موریه اسم فاعل از مصدر ایراء از ریشه وری است که در آن مفهوم مخفی بودن، پوشاندن و اختفا

مطرح هست. وقتی در باب افعال می‌رود، ایراء، به معنی آتش از سنگ افکندن را می‌گویند یعنی وقتی این سنگها

را به هم می‌زنند جرقه می‌زند انگار آتش توی سنگ مخفی بوده و با این کار آتش مخفی در سنگ پیدا می‌شود.

سنگ‌ها بهم بخورد جرقه بزند را می‌گویند ایراء.

موریات یعنی کسانی که تولید جرقه می‌کنند. سنگ‌ها را بهم می‌زنند تا جرقه بزند.

قدح یک جور اثر گذاری است که باعث کاستی و نقص می‌شود. مثلاً می‌گوییم استهلاک پیدا می‌کند.

سوگند به عوامل جرقه که دارد از آنها کاسته می‌شود. یعنی دارند از داشته‌هایشان مایه می‌گذارند که جرقه تولید

می‌شود.

جرقه‌هایی که بواسطه آنها استهلاک ایجاد می‌شود. اسبهایی هستند که دارند نفس نفس می‌زنند و جرقه‌های سم اسب‌ها که استهلاک ایجاد می‌کنند. یعنی مجاهدان با همه توان، از جانشان مایه می‌گذارند و بدون تردید، با سرعت و هماهنگ می‌روند تا دین خدا را یاری کنند.

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا

مغیرات جمع اسم فاعل از مصدر اغاره به معنی شبیخون است.

صبح در قرآن و روایات زمان بین اذان صبح تا طلوع آفتاب اولش تاریک است. درواقع طلوع آفتاب پایان صبح است. ما در فرهنگمان به بعد از طلوع آفتاب می‌گوییم صبح.

آیه: شبیخون زندگان در صبح.

این سه قسم، قسم به اسم فاعل بود. دو قسم بعدی قسم به فعل است البته می‌توان اینطور در نظر گرفت که اینها قسم مستقل نیستند و در ادامه آیه ۳ هستند.

فَأَثَرُنَّ بِهٖ نَقْعًا

شبیخون زندگان در صبح که در اثر این اغاره صبحگاهی، گرد و خاک به پا کردند.

نقع: گرد و خاک، ذرات متراکم که یکجا جمع شده است.

فَوَسَطْنَ بِهٖ جَمْعًا

در اثر این حمله یک مرتبه در وسط معرکه و جمع قرار گرفتند. محور شدند و خود را وسط دشمن قرار دادند. براساس روایتی که تعریف کردم پیروزی به دست آوردند.

خیلی جالب است، اول قسم به آمادگی و هماهنگی و صرف توان است.

قسم دوم به داشته‌هایش را تا آخر مصرف می‌کند. صرف هزینه

قسم سوم ، برنامه داشتن

نتیجه این عملکردها که آدم‌ها آماده و هماهنگ باشند و حاضر باشند هزینه کنند و برای آن برنامه و تدبیر داشته باشند، یک تاثیر در محیط هست و وسط جمع قرار گرفتند، جمع سازی‌ها مدل قرآنی اینطوری هست که انگار یک هسته مرکزی باید نفس نفس بزند، یک آمادگی کسب کند و حاضر به صرف هزینه باشد و برنامه و تدبیر داشته باشد، بعد یک تاثیراتی اول به وجود می‌آید که جمع شکل می‌گیرد.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

بعد از این قسم‌ها، جواب قسم مطرح می‌شود.

کنود با کند فارسی ظاهرا بی نسبت نیست. از ریشه کند، به معنا ناسپاس است بر وزن فعول رفته که صفت مشبیه است، انگار ذاتش اینگونه است. انگار کندی و ناسپاسی با هم قاطی هست، یک جور کندی که درواقع ناسپاسی هست.

مثلا یک نفر را کلی تربیت کرده باشی، آماده کرده باشی که در یک جا سربرنگاه، کاری را انجام دهد. بعد موقع عمل که می‌شود شل و کند عمل کند. این خیلی ناسپاسی هست چون این همه امکانات برایت قرار دادند برای اینجا. برای اینکه اینجا سرعت و هماهنگی را نشان بدهی.

خدا که به انسان نیازی ندارد. ربوبیت خدا نسبت به انسان، برای رشد انسان و رسیدنش به کمال است ولی این انسان نسبت به پروردگارش ناسپاس است.

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ

خودش هم شاهد براین صفت کندی که دارد هست. قطعاً خودش شهادت می‌دهد.

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

و او برای حب خیر شدید است. ترجمه‌های مختلفی از خیر شده است. در سوره صافات در داستان حضرت سلیمان (ع)، اسبان جنگی گفته شده که بی ارتباط با اینجا هم نیست. فعلا نمی‌خواهیم واردش شویم. علامه طباطبایی گفتند خیر به مال هم می‌گویند. مال دوست دارد. این هم می‌تواند یکی از مصادیقش باشد. خدا هر کلمه‌ای که در سوره‌ها آورده غرض مشخصی دارد. در قرآن مال هم داریم می‌توانسته خود عبارت مال بیاید. حتی اگر مال هم بوده باشد و کلمه خیر برایش بکار رفته باشد، غرضی داشته است.

خیر از جنس نفع است. نفعی هست که با مقایسه چند چیز براساس اولویتی انتخاب می‌شود. حالا اگر معیار اولویت، حکم خدا باشد آدم آن نفع حقیقی را شناسایی می‌کند و همان را ترجیح می‌دهد. اگر براساس حکم خدا نباشد باعث می‌شود چیزی که به نفعش نیست را انتخاب کند که می‌شود شر. ترجیح، معیار داشتن، مقایسه کردن در آن موضوعیت دارد. جنسش هم نفع است. خب انسان این را دوست دارد دیگر. یک نفع حقیقی و ماندگار را خیر می‌گویند. انسان منافع ماندگار را به شدت هم دوست دارد ولی ممکن است در تشخیص مصادیق خیر اشتباه کند مثلا پول و مال، قدرت یا موقعیت اجتماعی را اشتباهی خیر بگیرد. نفع ماندگار را دوست دارد ولی کند است. ذاتا دوست دارد به نفع برسد ولی این دوست داشتن انگار کافی نیست که انگیزه بدهد تا از کندی در بیاید. انگار برای اینکه انسان انگیزه کافی بدست آورد، باید یک نگاه عاقبت‌گرایانه هم داشته باشد.

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

آیا به این علم رجوع نکرد، آنچه که در قبرها هست، برانگیخته می‌شوند. قبرها زیر و رو می‌شوند و بدن‌ها بیرون می‌آید.

قبر را از جهت اینکه جسم در آن پنهان می‌شود، قبر می‌گویند.

نوعاً آدم‌ها زندگی شان را تا مرگ می‌بینند و سعی می‌کنند به مرگ هم فکر نکنند.

زندگی محدود است و فقط برای همین قسمت کوتاه برنامه‌ریزی می‌کنیم در نتیجه بی‌ثمر خواهد بود. درحالی‌که انسان باید طوری برنامه‌ریزی کند که زندگی‌های بعدی را هم دربر بگیرد. زندگی انسان یک حادثه هیجان‌انگیز مرگ دارد که خیلی با شکوه است. آنقدر با شکوه است که فقط به همین مرگ نگاه کنیم، خودش کلی انگیزه است. قرار است یک دور همه چیز عوض شود. یک دکمه می‌زنی همه چیز از اول. **وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ** (آیه ۶۸ سوره یس) خدا در عمری که داده خلقشان کم می‌شود، جسمش فرسوده می‌شود با مرگ این جسم خسته و فرسوده کنار گذاشته می‌شود و همه چیز اول شروع می‌شود. این خیلی هیجان‌انگیز است. چون می‌خواهد وارد جای جدیدی شود، طبیعتاً می‌ترسد. مرگ مثل تولد است. یک فشاری بهش می‌آید و وارد یک دنیای بزرگ‌تر می‌شود. بعد از مرگ قیامت را در پیش داریم، خیلی هیجان‌انگیز است البته خیلی ترسناک هم هست. اینها بخش‌هایی از زندگی ما هست که بدون تردید با آن مواجه می‌شویم. در قیامت جسم‌های ما از قبرها بیرون می‌آید. حالا اینکه همین جسم است یا چیز دیگر، بعداً متوجه خواهیم شد. در صحنه قیامت خیلی اتفاقات برای انسان می‌افتد، **يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ** (آیه ۶ سوره زلزال)، اعمال انسان به آن‌ها نشان داده می‌شود و انشاءالله یک بهشت بی‌انتهای در پیش داریم که نعمت‌هایش نه تکراری می‌شود، آنقدر متنوع هست که بی‌نهایت است. هر روز می‌توانیم لذت‌های جدیدی را تجربه کنیم.

وَحَصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

یک چیزهایی در سینه‌ها هست.

صدور، محل صدورات انسان است. قلب محل ادراکات، ذخیره‌گاه است. حقایق را در آنجا ذخیره کرده وقتی می‌خواهد آن را بروز دهد از صدر، صادر می‌شود یعنی جایی که انسان قصد می‌کند، عزم و اراده می‌کند، نیت دارد، انگیزه دارد، گرایش دارد، برنامه دارد، همه اینها در صدر اتفاق می‌افتد یعنی عمل انسان از صدر اتفاق می‌افتد.

حُصِّلَ، تحصیل می‌شود، به صورت تفصیلی حاصل می‌شود، نتیجه می‌دهد، به صورت خروجی کاملاً مفصلی می‌رسد.

انسان باید به این توجه کند. ما به طور فطری این را می‌دانیم و یقینی است. خدایی که انسان را خلق کرده توقع دارد که این را بدانیم. انسان‌ها می‌دانند که یک روز از قبرها بیرون می‌آیند. یک روز مافی‌الصدور تحصیل می‌شود این باعث می‌شود انسان خیر دوست، از کندی در بیاید.

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

رب، مالک تدبیری که نقص‌ها را برطرف می‌کند و به سمت کمال سوق می‌دهد. کسی که مقصد را او مشخص کرده و سوق به آن می‌دهد، در آن روز خبیر است.

خدا الان هم خبیر است ولی انسان، آن روز می‌بیند. ما الان حواسمان نیست که خدا به جز رفتارمان، به جز جز افکارمان، آگاهی دارد ولی آن روز همه این را می‌فهمند.

سوال: اگر برای هر سوره‌ای دو سه هفته زمان بگذاریم به این سوره‌ها در پایه اول نخواهیم رسید؟

درست است. اینکه ما امکان آموزش هر سوره‌ای را در هر پایه‌ای داشته باشیم، دست ما را برای اجرا باز می‌کند. اگر بخواهیم از ابتدا شروع کنیم به آموزش بچه‌ها و سوره‌ها را به ترتیب از پایه اول شروع کنیم تا پایه ششم، در پایه اول فقط تا سوره ماعون می‌رسیم آموزش بدهیم. فیل و قریش را می‌توان به عنوان برنامه تابستانی بدهیم و سال دوم از قریش دوباره شروع کنیم و سوره عادیات در پایه دوم می‌آید.

ممکن است معلمی در کلاسی یا حتی مسجدی علاقه مند باشد که به بچه‌های کلاس اولی به هر دلیلی سرعت عمل یا هماهنگی را آموزش بدهد، می‌تواند به کمک سوره عادیات اینکار را انجام دهد. اگر قصد داشته باشیم کل سوره‌های جز سی را با یک نظمی به بچه‌ها از ابتدا یاد بدهیم، عادیات به کلاس اول نمی‌افتد ولی ممکن است

برنامه دیگری برای آموزش بچه‌ها داشته باشیم. خوب است بدانیم که هر سوره‌ای برای هر پایه‌ای چگونه می‌شود. این به ما انعطاف می‌دهد و می‌توانیم از این شیوه آموزش برای سوره‌های دیگر هم بتوانیم استفاده کنیم.

سوال: اگر سطح بچه‌های پایه اول بیشتر بود، می‌توانیم مطالب پایه دوم را هم بگوییم؟

بله می‌شود. اما بدانیم که تقریباً این پیش نمی‌آید که سطح بچه‌های پایه اول دو سه پله بالاتر باشد مثلاً بچه‌های اولی به اهداف پنجم و ششم که نمی‌رسد. نهایتاً اگر خیلی قوی باشند، می‌توانند به هدف تربیتی سال سوم هم برسیم.

سوال: ارتباط آیات ۱۰ و ۱۱ چیست؟

ارتباطش واضح است. یکی از صفات خدا علیم بذات الصدور است، خدا به درون سینه‌ها علم دارد. آدم‌ها ممکن است در صدرشان، در انگیزه و نیتشان چیزی مخفی باشد و فکر نکند کسی از اینها خبر دارد ولی یک روز اینها تبدیل به خروجی می‌شود و همه می‌فهمند که خدا به همه اینها آگاه بوده است. مثل آنچه در سوره حمد صحبت کردیم که خدا مالک یوم الدین هست، خدا همیشه مالک هست ولی در روز جزا مالکیت خدا جلوه تامی دارد. خدا همیشه خبیر است ولی در آن روز خبیر بودن خدا برای همه آشکار می‌شود.

اهداف تربیتی

سوره مبارکه عادیات سوره‌ای برای افزایش هماهنگی و سرعت در انجام کارهای گروهی

پایه اول

دیدن کارهای هماهنگ

چون در سوره مبارکه عادیات صحبت از سرعت و هماهنگی و سرعت در کارهای گروهی است، لازم است بچه‌ها حرکتهای هماهنگ ببینند و مفهوم هماهنگی انسان‌ها را در کنار هم درک کنند. باید انواع هماهنگی بین افراد را نشان دهیم مثل رژه در روز ارتش را ببینند.

سوره عادیات از ما می‌خواهد کارهای خوب را سریع و هماهنگ انجام دهیم. توقع کار هماهنگ از آنها به شکل دقیق نداریم، از بچه‌های این پایه توقع ابراز داریم. هماهنگی‌ها را ببینند و برایشان جذابیت داشته باشد. هماهنگی یک گروه سرود را ببینند و اگر ظرفیت این را دارند که گروه سرود داشته باشند، با یک همچین فعالیت‌هایی آنها را با هماهنگی‌ها مواجه کنیم. در فیلم، در بیرون و... انواع هماهنگی‌ها را ببینند. مثلاً بیایید سوره عادیات را با هماهنگی بخوانیم. توقع کار هماهنگ از آنها نداریم، توقع مواجه شدن با کار هماهنگ را داریم. اگر از آنها می‌خواهیم سرود یا سوره را هماهنگ انجام دهند، قصدمان فقط این است که مفهوم هماهنگی برایشان عینی شود.

مهمترین مساله درک هماهنگی است. اینکه عده‌ای می‌توانند با هم هماهنگ باشند و چقدر زیباست این هماهنگی. وقتی بچه‌ها به هماهنگی‌های مختلف حساس شوند، این سوره وارد زندگی شان شده است. هماهنگی بین افراد برایشان جذاب باشد، از هماهنگی خوششان بیاید.

پایه دوم

آشنا شدن با انواع هماهنگی

بچه‌های کلاس دوم به طور کلی باید تنوع‌ها و تمایزها را بشناسند و متناسب با سوره عادیات آنها را با انواع هماهنگی مواجه می‌کنیم؛ آنها در این پایه باید بدانند هماهنگی، مدل‌های مختلف دارد؛ یک مدل هماهنگی مثل

گروه سرود است که همه با هم یک کار را همزمان و هم صدا انجام می‌دهند و یک مدل

هماهنگی مثل فوتبال است که هرکس کار خودش را انجام می‌دهد، اما هدفشان یکی است و با هم هماهنگ هستند. رژه، ساختمان ساختن توسط کارگران و...

به بچه‌ها می‌گوییم که سوره عادیات به ما می‌گوید که باید کارهای سریع هماهنگ انجام دهیم. توی کارهای مختلف با هم هماهنگ شویم.

آن‌ها را در موقعیت‌هایی قرار دهیم که هماهنگی را بشناسند و بتوانند تجربه کنند.

مهمترین مساله آموزشی، شناخت تنوع هماهنگی‌هاست. اگر از آنها بپرسیم چه هماهنگی‌هایی داریم؟ بتوانند جواب دهند، دید داشته باشند، در ذهنشان این هماهنگی‌ها تمایز و تفصیل داشته باشد و بدانند این برای سوره عادیات است.

پایه سوم

تعیین هدف و مقصد برای کار گروهی و تشویق دیگران به شرکت در آن

در این پایه از بچه‌ها توقع داریم یک اقدام مشخص بیرونی انجام دهند؛ مشخصا در این پایه باید برای کار مشخصی، هماهنگی به وجود بیاورند؛ یک مقصد مشخصی را معلوم کنند و برای آن هماهنگی را ایجاد کنند و سعی کنند دیگران را با هم هماهنگ کنند تا این مقصد و هدف، محقق شود.

کار گروهی برای پایه‌های بالاتر است ولی چون موضوع در این سوره خودش کار گروهی هست، در این پایه در سطح بچه‌های سومی به برکت سوره عادت توقع یک کار گروهی هماهنگ داریم.

به بچه‌ها می‌گوییم که سوره عادیات به ما یاد می‌دهد کارهای خوب را سریع و با هماهنگی انجام دهیم. تمرکز را می‌بریم روی کاری که از ما توقع می‌رود انجام دهیم.

- * موقعیتی را باید فراهم کنیم که بچه‌ها بتوانند کاری را براساس یک هماهنگی انجام دهند. یک کار کلاسی یا مدرسه که در آن سرعت عمل و هماهنگی مهم باشد.
- * باید در ایجاد این هماهنگی کمک و راهنماییشان کنیم.

مهمترین مساله، تجربه یک کار هماهنگ است. کاری که برای رسیدن به یک مقصد مشخص به هماهنگی نیاز داشته باشند.

این که یاد بگیرند برخی از کارها را می‌توانند با درست کردن یک جمع و برقرار کردن یک رابطه خوب بین افراد و هماهنگ شدن با هم یک کار را انجام دهند، در واقع سوره وارد زندگی شان شده است.

پایه چهارم

شناخت و حذف آفت‌هایی که مانع تشکیل گروه و باعث کند شدن کار گروهی می‌شود

اگر اولین سالی است که این سوره را می‌خوانند، لازم است که مطالب پایه‌های قبل را هم به آن‌ها منتقل کنیم. در این پایه بچه‌ها باید آسیب‌ها، آفت‌ها و موانع تشکیل گروه و سرعت عمل و عوامل تاخیر در انجام کارهای گروهی را بشناسند و سعی کنند که آن‌ها را از بین ببرند. یاد بگیرند در این صورت می‌توانند کارهای بیشتری را انجام دهند. آنها باید بدانند چه مواردی سبب تشکیل نشدن یک جمع و یا دیر انجام شدن یک کار گروهی می‌شود. به بچه‌ها می‌گوییم که سوره عادیات از ما می‌خواهد که برای انجام کارهای سریع هماهنگ برنامه داشته باشیم و برای آن موانع تشکیل گروه و سرعت عمل را از بین ببریم.

* هم تئوری موانع را بشناسند و هم به صورت عملی خیلی از مطالبی که در سوره‌های دیگر خوانده اند می‌توانند به آنها کمک کنند.

* موقعیت‌هایی فراهم شود که بتوانند برنامه داشته باشند به آن‌ها راهنمایی بدهیم که چگونه موانع را برطرف کنند تا یک کار هماهنگ سریع انجام دهند.

مهمترین نکته این است که در عمل بتوانند یکسری کارهای هماهنگ سریع انجام دهند.

اگر بتوانند در عمل یکسری موانع را حذف کنند و به یک مقصد برسند، سوره وارد زندگی شان شده است.

پایه پنجم

تعیین نقش برای هر یک از اعضای گروه

اگر اولین سالی است که این سوره را می‌خوانند، لازم است که مطالب پایه‌های قبل را هم به آن‌ها منتقل کنیم. به طور مشخص در پایه پنجم بچه‌ها باید بتوانند در یک کار گروهی، نقش‌های هرکس را مشخص کنند؛ یعنی برای این هماهنگی هر کس نقشش معلوم باشد مانند فوتبال که باید نقش هر یک از بچه‌ها در آن مشخص باشد، یکی مربی، یکی داور، یکی دروازه بان و... بنابراین تمرکز در این پایه روی نقش‌ها می‌رود. بچه‌ها با تعیین نقش هر کس هماهنگی و سرعت در عمل به وجود می‌آورند.

به بچه‌ها می‌گوییم که سوره عادیات از ما می‌خواهد که برای انجام کارهای سریع و هماهنگ نقش‌های خودمان را مشخص کنیم.

ملاحظات:

* موقعیتی باید فراهم شود که بچه‌ها کارهایی را انجام دهند. این سوره عملیاتی هست و از پایه‌های پایین وارد فاز عملیاتی می‌شود.

مهمترین نکته، درک اهمیت نقش است. مثلاً یک عده باید سریع بدوند و یک نفر در را باید باز کند باید بداند که نقشش مهم است. هر کس نقش خود را درست ایفا نکند، هماهنگی از بین می‌رود.

پایه ششم

آشنا شدن با فعالیت‌های واقعی که به واسطه سرعت به نتیجه رسیده یا به واسطه کندی بی نتیجه مانده لازم است در این پایه بچه‌ها بدانند در واقعیت‌های تاریخی و در دوران خودمان، حوادث و اتفاقاتی وجود داشتند که به واسطه هماهنگی و سرعت عمل اتفاق افتادند و موفق شدند مانند جنگ تحمیلی؛ و نیز مواردی را بشناسند که عدم هماهنگی و سرعت عمل باعث شکست شده است؛ مثل جنگ احد که عدم هماهنگی افراد در آن باعث شکست شد. نقش یک عده که تک تیرانداز بوده این بوده که باید بالای یک کوه می‌ایستادند. اینها نقش خود را جدی نمی‌گیرند و زودتر از موعد پایین می‌آیند و این باعث شکست می‌شود. باید نمونه‌های واقعی اینها را بشناسند. اگر اولین سالی است که این سوره را می‌خوانند، لازم است که مطالب پایه‌های قبل را هم به آن‌ها منتقل کنیم. از بچه‌های ششمی کاملاً توقع انجام کارگروهی هماهنگ را داریم که با شناخت نسبت به حوادث واقعی اتفاق بیفتد. به بچه‌ها می‌گوییم که سوره عادیات به ما یاد می‌دهد که سرعت و هماهنگی می‌تواند باعث پیروزی‌های بزرگ شود همانطور که عدم سرعت و هماهنگی می‌تواند باعث شکست شود. نمونه‌های اینها را با فیلم و داستان مطرح شود.

مهمترین نکته به جز مطالب پایه‌های قبل، شناخت واقعیت‌هاست. ببینند در واقع سرعت و هماهنگی می‌تواند تأثیرات بزرگ داشته باشد.

با انجام کارهای گروهی سریع و هماهنگ سوره وارد زندگی شان می‌شود.

سوال: آیا برای دیدن هماهنگی در پایه دوم، می‌توانیم از هماهنگی بین پرندگان مثال بزنیم؟

منظور ما هماهنگی بین انسان‌ها است. آن هماهنگی‌ها در سوره‌های دیگر مطرح هست.

می‌توانیم از هماهنگی پرندگان مثال بزنیم ولی آن چیزی که منظور ما هست که بچه‌ها آشنا شوند هماهنگی بین انسانها هست مثل رژه، سوره یا سرود خواندن و...

از جهت زیبایی به سوره حمد یا از نظر مخلوقات و ویژگی‌های مخلوقات به سوره توحید می‌خورد.

سوال: فرق سرعت در سوره ناس و عادیات چیست؟

بله سوره ناس بحث تاخیر نیانداختن مطرح است. بلافاصله یک کار را انجام دهند. سریع و بدون تاخیر انجام دهند.

در سوره عادیات هماهنگی مطرح هست و اینکه به سرعت یک کار را انجام دهیم یعنی تند انجام دهیم.

سوال: آیا خوب است که برای بچه‌ها از داستان‌های پیروزی‌های جنگ تحمیلی و شان نزول سوره را بگوییم؟

موضوع پیروزی‌های جنگ تحمیلی به صورت نمایش خیلی خوب است. اگر منظور از شان نزول داستانی هست که من گفتم، جنگ ذات السلاسل برای بچه‌های چهارم به بعد به جهت فهم هماهنگی و سرعت می‌توان گفت.

سوال: آیا کندی و تندی افراد شاکله ای هست؟

ممکن است کسی شاکله ای تند یا کند باشد. ما افراد را نسبت با خودشان می‌سنجیم. در سوره عادیات هماهنگی موضوعیت دارد. هر کس باید سرعتش در نسبت با جمع هماهنگ باشد برای همین در گروه بندی کردن، بچه‌هایی که امکان هماهنگ شدن با هم را دارند، با هم یک گروه می‌کنیم یا در یک نوع هماهنگی، از بچه‌هایی که کندتر هستند را در کارهایی که نیاز به سرعت ندارد، استفاده می‌کنیم. این باور باید در ما به وجود بیاید که خدا آدم بدردنخور ندارد، هر کس استعداد ویژه خودش را دارد. اگر فکر می‌کنیم کسی بدرد نخور است این اشکال از تفکر

ماست. اگر کسی شاکله‌ای کند است، دقت‌ها و تمرکزهای بیشتری دارند. اینها بیشتر می‌توانند تامل در کارها داشته باشند، در این نقش‌ها جاگذاریشان می‌کنیم.

سوال: وقتی با بچه‌ها سوره را در پایه اول کار می‌کنیم، وقتی همان بچه‌ها وارد پایه دوم می‌شوند سوره‌های دیگری با آن‌ها کار می‌کنیم، آیا اهداف بالاتر سوره‌هایی که در پایه اول با بچه‌ها کار شده در آن‌ها ایجاد می‌شود و یا باید دوباره همان سوره را کار کرد ولی با هدف بالاتر؟

بهتر است که خیلی دغدغه این مساله را نداشته باشیم. هر پایه را با هدف همان پایه جلو ببریم، بچه‌ها همه سوره‌ها را یاد می‌گیرند. بچه‌هایی که فهم قرآن می‌خوانند امید است که اهل قرآن خواندن و تدبر در قرآن بشوند. بعدها سوره‌هایی که در بچگی مفاهیمش در وجودشان شکل گرفته را بعدها در سطح بالاتری خواهند فهمید. دانه‌ای که در اول دبستان در وجودشان کاشته شده، بعدا شکوفا می‌شود. فقط نکته‌ای وجود دارد در پایه‌های بالاتر سوره‌های سال‌های قبل که نباید یادشان برود. در سالهای بعد هر وقت بحث سرعت عمل می‌شود، دوباره به سوره عادیات باید اشاره شود و یک مطلب در سطح پایه بالاتر به آنها گفته می‌شود. مثلا در سوره دوم یاد گرفتند که انواع هماهنگی و سرعت عمل داریم حالا این بچه رفته پنجم موقعیتی پیش می‌آید که نیاز به کار هماهنگ هست، می‌گوییم یادتان هست سوره عادیات خونديم که می‌گفت کارهای هماهنگ و سریع داریم، حالا برای اینکه سرعت عمل داشته باشیم نیاز هست که نقشه‌ایمان را پیدا کنیم. همین کافی است.

در کتابهای قدیم، حمد برای پایه اول است. اگر بخواهیم سوره حمد را برای بچه‌های پایه پنجم بگوییم، هدف بالاتر و متناسب با اقتضائشان به آنها می‌گوییم. کارکرد اهداف تربیتی پایه‌ها این است.

امروز سالروز معراج پیامبر(ص) است و این نمازها که ما به این شکل می‌خوانیم، اینها را از معراج برای ما هدیه آورند. نماز یکی از عوامل مهم هماهنگی مسلمانان هست. خود نماز جماعت درس بزرگی برای هماهنگی است. درس ولایت پذیری، هماهنگی، هر کس نقش جمعی دارد به ما می‌دهد. سالگرد جنگ بدر هم هست که داستان

فهم قرآن

ویژه ای دارد. اولین جنگ مسلمانان بوده و با یک برنامه ریزی و هماهنگی خوب به پیروزی رسید. امداد الهی هم آمد و خداوند ملائکه را برای کمک به سپاه اسلام فرستاد.

دعا می کنیم خدا به ما توفیق دهد که بتوانیم با هم جمع باشیم. برای تحقق حکومت حضرت حجت (عج) نیاز به جمع های هماهنگ هست که سریع و برق آسا کار انجام دهند.

انشاءالله خدادهد که عادیاتی باشیم.

اللهم صل علی محمد وال محمد وعجل فرجهم